

جغرافیای نظامی

(قسمت دوازدهم)

سرلشکر پاسدار دکتر سید یحیی صفوی
استادیار دانشگاه امام حسین(ع)

استعداد افراد، جمعیت بومی، زبان، لهجه‌ها، میزان باسوادی، آداب و رسوم، اعتقادات، ارزش‌ها، میزان علائق به آب و خاک، نگرش و نحوه برخورد با غریبه‌ها، انضباط، روحیه، خلق و خوی و شیوع بیماری‌های همه‌گیر بومی می‌گردد.

۲) جمعیت

در آمارگیری نفوس، تعداد، تراکم، توزیع جغرافیایی، ترکیب و دیگر آمارهای حیاتی جمعیت، در سراسر جهان مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. از نگاه جغرافیای نظامی به شرایط آمارگیری که طرح‌های جاری، برنامه‌ها و عملیات را تحت تأثیر قرار می‌دهد، تکیه می‌گردد. به عنوان مثال میزان مولید، امید به زندگی، تعداد زوجات و درصد متأهلین

۱) نقش عوامل انسانی در جغرافیای نظامی

دانش جغرافیا در حوزه اساسی طبیعی و انسانی به مطالعه روابط متقابل انسان و محیط می‌پردازد. جغرافیای نظامی روابط انسان با محیط و محیط با انسان را مورد بررسی و جهت استفاده در مقاصد نظامی - امنیتی قرار می‌دهد.

جمعیت و نفوس در صدر فهرست ملاحظات و بررسی‌های فرهنگی جای دارد و به دلایل سیاسی - نظامی لازم است که از نزدیک مورد توجه قرار گیرد.

آمارهای جمعیت، میزان و اندازه جمعیت و نفوس، پراکنندگی جمعیت، گروه‌های سنی، درصد مردان و زنان و تراکم جمعیت شهری و روستایی را آشکار و معین می‌سازد. سایر مشخصه‌های مهم نظامی شامل هوش و

ضعیفی برخوردارند و در مقابل تهاجمات آسیب پذیر خواهند بود مگر اینکه از حمایت همسایگان خود برخوردار باشند (مثل کانادا) و یا به وسیله موانع جغرافیایی محافظت شوند (مانند آنچه سوئیس را محافظت کرد).

به عنوان مثال، قلمرو روسیه بسیار پهناور است و توده‌های مردم آن در اراضی هموار غرب کوه‌های اورال، جایی که بطور مکرر مورد تاخت و تاز قرار گرفته است، زندگی می‌نمایند.

در کشورهای سوریه، فلسطین، اردن، مصر، عربستان سعودی، کویت، عراق و ایران به دلیل اینکه اکثر ساکنین آنها در شهرهای مرکزی نظیر دمشق، بیت‌المقدس، امان، قاهره، ریاض، شهر کویت، بغداد و تهران زندگی می‌کنند، بیشتر آسیب‌پذیر خواهند بود.^(۲)

پراکندگی به هیچ میزان کشورها را در مقابل چنین تهاجماتی به طور کامل محافظت نمی‌کند، لیکن الگوی جمعیت، هزینه‌های تهاجم دشمن را افزایش و خطرهای ناشی از تمرکز شدید را کاهش می‌بخشد.

تراکم جمعیت

در صورتی که فشارهای تراکم جمعیت باعث تحریکات داخلی شود می‌تواند به درگیریهای مسلحانه منتهی شود. ناتوانی حقیقی و مجازی (خیالی) که به منظور حمایت از شیوه‌های مطلوب زندگی متوجه انسان می‌شود، اغلب همانند تسریع کننده‌ها عمل می‌کنند چنانکه آدولف هیتلر در جنگ جهانی دوم هنگامی که بخشی از سرزمینهای اسلاویک را برای رضایت آلمانها تصرف کرد، این امر را به اثبات رساند. ژاپن نیز در سال ۱۹۳۷ میلادی به "منچوری" حمله ور شد و سپس با همان انگیزه قلمرو آسیای شرقی را گسترش داد.

طغیانهای خودجوش ممکن است به صورت غیر عمد، انسانها را به ستیز و آزار سازد، چنانکه در سال ۱۹۷۱ میلادی، ۹ میلیون آواره از شرق پاکستان (بنگلادش فعلی) به کشور پرجمعیت هند برای فرار از قتل عام این کشور که بدلیل جنگ کوتاه همه جانبه بوجود آمده بود، گسیل شدند. فشار جمعیت می‌تواند جنگهای داخلی در مرزهای ملی را به همراه داشته باشد.

مشخصه‌های فیزیکی

جمعیت‌های ملی و منطقه‌ای متشکل از افرادی است که به‌طور قابل ملاحظه‌ای با توجه به قدرت، پایداری، سرسختی و سلامت باهم متفاوت هستند. فرماندهان نظامی و کادر ستادی تنها در صورتی که شناخت کاملی از کاربردهای جمعی چنین مشخصه‌هایی داشته باشند در طرح‌ریزیهای نظامی موفق خواهند شد.

ترکیب مقایسه‌ای (تطبیقی)

بسیاری از مشخصات فیزیکی مهم نظامی، به تنهایی نمی‌تواند فردی را از سایرین متمایز نماید. مردان و زنان با جثه سنگین، متوسط و سبک وزن، فیزیک بدنی با تجهیزات مناسب، آموزش‌های یکسان و دوره خوگر فیزیکی به

نسبت به شاخصهای سن و جنس که تعداد افراد واجد شرایط خدمت نظامی را تعیین می‌کند از اهمیت کمتری برخوردار است. روابط بین اقلیت و اکثریت مهم‌تر از درصد نسبی جمعیت است که هر یک ارائه می‌دهند.

عناصر آماری جمعیت

تقریباً $\frac{4}{5}$ جمعیت ۵/۸ میلیارد نفری سال ۱۹۹۷ میلادی کره زمین در کشورهای توسعه یافته زندگی می‌کنند.

تنها در چین و هند ۲ میلیارد نفر و نیمکره غربی شامل قاره‌های افریقا، اروپا و کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز بخش عظیمی از جمعیت را به خود اختصاص می‌دهند.

بنابر پیش‌بینی‌های بعمل آمده جمعیت مناطق فقیرنشین به ویژه در قاره‌های افریقا و آسیا تا سال ۲۰۲۵ میلادی به طور ناموزونی گسترش می‌یابد^(۱)، در این رابطه تأثیر غیر قابل پیش‌بینی عوامل مخرب جنگها، قحطی و بیماریها قابل توجه می‌باشد.

آمارهای با اهمیت نظامی یک کشور شامل مواردی از جمله جمعیت کل کشور، تعداد مردوزن در سنین فعالیت (۴۹-۱۵ سال) که به هنگام ضرورت بسیج می‌شوند، بیماریهایی که تلفات سنگین به بار خواهد آورد و کشور را با فروپاشی اقتصادی در جنگ درازمدت فرسایشی روبرو می‌سازد، تأثیر فراوانی در تصمیم‌گیری دارند.

نیروهای مسلح جوامع بزرگ با تکیه بر نیروی جوان جمعیت قادرند شکستهای سنگین را قبل از ناتوان شدن جبران نمایند. همچنانکه دربارہ چندین قدرت عمده در جریان جنگ جهانی دوم این مطلب به اثبات رسید. هرچند که برندگان جنگ نیز بهای سنگینی پرداختند. ارقام موجود دربارہ تلفات افراد غیر نظامی، نیروهای نظامی، مفقودین و معلولین در جدول (۱) آمده است.

جدول (۱): کشته و مفقودین نظامی جنگ جهانی اول و دوم

کشور	جنگ جهانی اول (نفر)	جنگ جهانی دوم (نفر)	کل
شوروی	۲/۷۶۰/۰۰۰	۷/۵۰۰/۰۰۰	۱۰/۲۶۰/۰۰۰
آلمان	۱/۶۱۰/۰۰۰	۲/۸۰۰/۰۰۰	۴/۴۱۰/۰۰۰
چین	-	۲/۰۰۰/۰۰۰	۲/۰۰۰/۰۰۰
فرانسه	۱/۴۲۸/۰۰۰	۲۴۷/۰۰۰	۱/۶۷۵/۰۰۰
ژاپن	-	۱/۵۰۰/۰۰۰	۱/۵۰۰/۰۰۰
انگلیس	۹۱۱/۰۰۰	۳۰۵/۰۰۰	۱/۲۱۶/۰۰۰
امریکا	۱۰۷/۰۰۰	۴۰۷/۰۰۰	۵۱۴/۰۰۰

الگوی توزیع

در تعداد اندکی از کشورهای مذکور جمعیت مناطق شهری بزرگ و کوچک و روستاها از توزیع مناسبی برخوردارند. بسیاری از کشورها بلحاظ عدم توزیع مناسب جمعیت در معرض بلا یا قرار می‌گیرند و از حفاظت

یک سیستم فاضلابی برای هدایت فضولات می‌توان اشاره کرد.

۳) مشخصه‌های فرهنگی

بسیاری از مناطق پرجمعیت، از شرایط تقریباً یکسانی برخوردارند. اما از نظر زبانی، مذهبی، سنتی، رسوم، دوست داشتن‌ها، تنفرها و سبک زندگی که می‌تواند تنشهای داخلی و بین‌المللی ایجاد نماید با یکدیگر تفاوت دارند.

برای مثال یوگسلاوی سابق تضادهای داخلی بسیاری از لحاظ مذهب، زبان‌شناسی و فرهنگ دارند. صربها که از مسیحیان ارتودکس هستند و کروواتهای کاتولیک بیشترین جمعیت آنجا را تشکیل می‌دهند. در کنار آنها همچنین اسلوواکها، مسلمانان، آلبانیها، مقدونیه‌ها و ۱۵ گروه کوچک دیگر قرار دارند.

صربها و کرواسیها با یک زبان صحبت می‌کنند، درحالی‌که صربها از الفبای قدیمی استفاده می‌کنند. ولی کروواتها الفبای لاتین را ترجیح می‌دهند، اسلوواکها و مقدونیه‌ها از دو زبان جداگانه دیگر استفاده می‌کنند.

اکثریت‌ها و اقلیت‌ها

ملل مختلف عموماً از لحاظ ژنتیکی، نژادی و فرهنگی با هم متفاوت هستند و بنابراین خصوصیات، گاهی اوقات به دسته و قبایل مختلف تقسیم می‌شوند.

خصوصیات نژادی، فرهنگی و قبیله‌ای که از اکثریت بالایی نیز برخوردار باشند دلیل آن نیست که نتوان بر آنها تسلط داشت. همانطور که بسیاری از کشورهای اروپایی توانسته بودند تسلط خود را بر جمعیت زیادی در کشورهای آسیایی و امریکایی برای مدت زیادی حفظ کنند. استراتژی و تاکتیکهای نظامی باید از لحاظ نژادی، فرهنگی و قبیله‌ای در مناطق عملیاتی مورد بررسی قرار گیرند، زیرا ریشه و علت درگیریها نسبت به مکان و حالت با یکدیگر فرق می‌کند.

برای مثال: بخشهای نژادی آفریقا مشکلات قابل توجهی را در دوران سلطه حکومت نژادپرست به وجود آورد. این حالت از لحاظ فاکتورهای مذهبی و فرهنگی در بوسنی و در خاورمیانه بروز کرده است. تفاوت فرهنگی، نژادی و قبیله‌ای باعث جنگهای غیرمنتظره‌ای در قرن بیستم گذشته است. از اولین نمونه‌های این نوع جنگها می‌توان به جنگ جهانی اول اشاره کرد.

حرکتهای ضداستعماری در آسیای جنوبی و تقریباً در تمام آفریقا در پایان جنگ جهانی دوم کاملاً نمودار و آشکار بود. کشورهای جهان سوم بعد از پایان دوره تسلط کشورهای استعماری برکشورشان) با حکومتهای جایگزین مواجه شدند که به صورت قبیله‌ای عمل می‌کردند و سرکوبگر نیز بودند.

خونریزیها در "بافرا" که بین قبایل نیرومند" فولانی و هوسا" بر علیه اقلیت "ایبو" در بین سالهای ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۰ میلادی صورت گرفت و بیش از یک میلیون کشته بر جای گذاشت که شاید تنها نظیر چنین فاجعه‌ای در بین

هنگام انتقال در یک منطقه جغرافیایی آشنا یا ناآشنا به تناسب خوب یا بد عمل می‌کنند.

جهش رشد جمعیت

تا سال ۲۰۵۰ میلادی با یک افزایش ۷۳ درصدی جمعیت ۵/۸ میلیارد نفری کنونی به ۹/۸ میلیارد نفر خواهد رسید. انتظار می‌رود جمعیت کشورهای در حال توسعه تا ۸۰ میلیون نفر در سال رشد یابد که به طور متوسط تا سال ۲۰۵۰ میلادی دوبرابر خواهد شد.

با اینکه نرخ رشد تقریباً در همه کشورهای اروپایی کاهش می‌یابد. اما با توجه به افزایش میزان مولید در دهه‌های گذشته و تداوم آن در کشورهای توسعه نیافته جمعیت رو به افزایش است.

جدول (۲): توزیع جمعیت جهان در هر قاره به میلیون نفر

قاره ها	۱۹۹۶ میلادی	۲۰۵۰ میلادی
آسیا	۳/۵ میلیارد نفر	۵/۷ میلیارد نفر
آفریقا	۷۲۸ میلیون نفر	۲/۱ میلیارد نفر
آمریکای جنوبی	۴۸۶ میلیون نفر	۸۴۰ میلیون نفر
آمریکای شمالی	۲۹۵ میلیون نفر	۳۷۴ میلیون نفر
اروپا	۷۲۸ میلیون نفر	۷۲۱ میلیون نفر
اقیانوسیه	۲۹ میلیون نفر	۴۶ میلیون نفر

منبع: بخش مرجع جمعیت بانک جهانی (پیش‌بینی جمعیت) سال ۲۰۵۰ میلادی

بهداشت عمومی

بهداشت عمومی ضعیف و بیماریهای واگیردار می‌تواند تواناییهای نظامی نیروی خودی و دشمن را بسیار کاهش دهد. بیماریهای کشنده‌ای مانند مالاریا، تب، تیفوئید، تیفوس، وبا و آنفولانزا به همراه بیماریهای ضعیف‌تری که توانایی‌های انسان را کاهش می‌دهد باعث شده مشکلات بسیاری برای افراد نظامی در طول تاریخ فراهم بیاید. علیرغم تحقیقات زیادی که برای پیدا کردن راه حل در این زمینه شده است هنوز هم مشکلات زیادی در این زمینه باقی مانده است که از آن جمله می‌توان به آمار تلفات امریکا در جنگهای جهانی دوم، جنگ کره و ویتنام اشاره کرد. متخصصان پزشکی امریکا موفق شده‌اند که کاتالوگ این نوع بیماریها را در ۱۴۰ کشور جهان اعم از دوره‌های کوتاه و طولانی تعیین نمایند.

سیاه‌زخم، ایدز نیز اخیراً به لیست بلندبالای بیماریهای امریکا اضافه شده است که از بیماری خواب آفریقایی تا بیماری تب زرد را در بر می‌گیرد. تب‌های دوره‌ای جنگ از بیماریهایی هستند که به وسیله حشرات انتقال می‌یابند و خاص مناطق استوایی هستند.

متخصصان بهداشت به مصون‌سازی و پیشگیری قبل از بیماری بسیار توصیه می‌کنند که از آن جمله می‌توان به سالم بودن آب آشامیدنی، پخت و پز سالم، امکانات استحمام، جلوگیری از فعالیت حشرات موذی و ایجاد

مذاهب

یهودیت، مسیحیت و اسلام که جزء اولین مذاهب پدیدآمده در جهان می‌باشند، دارای پیروان بسیاری هستند که در سراسر جهان پراکنده‌اند و بسیار دورتر از مراکز انتشار، گسترش یافته‌اند. بودائیسیم، تائیسیم، کنفیوسیسم و شینتو از مذاهبی هستند که بیشتر در شرق آسیا رواج دارند. همچنین هندوها و سیک‌ها و مذاهب سنتی و گوناگونی در هائیتی و کشورهای قاره افریقا رواج دارند.

درگیری‌ها و جنگهای مذهبی می‌تواند بسیار خشن و بی‌رحمانه باشد. جنگهای صلیبی سالهای ۱۰۹۵ تا ۱۲۷۰، از جمله این درگیریهاست. جنگ ۳۰ ساله‌ای که غرب اروپا را بین سالهای ۱۶۱۸ تا ۱۶۴۸ به ویرانی کشاند از درگیری کاتولیک‌ها و پروتستانها در آلمان شروع شد.

سالهای ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۹ بر علیه شهروندان کامبوجی انجام گرفت. یوگسلاوی سابق چندسال بعد از مرگ تیتو و به دلیل آنکه جانشینان او نتوانستند کشور را مثل سابق اداره کنند دچار درگیریهای داخلی شد. از دیگر درگیریهایی که به دلایل نژادی و فرهنگی از سال ۱۹۹۰ میلادی به بعد اتفاق افتاده است می‌توان به پرو، رواندا، سومالی، سودان و لیبیا اشاره کرد. عوامل این نوع درگیریها شامل: تنشهای قومی، سوء استفاده‌های گوناگون، حرکت‌های جدایی طلبانه، حساسیت‌های زیاد و بی‌تربیتی از این عوامل می‌شوند.

زبانها

پیوستگی‌های زبانی می‌تواند جمعیت یک جامعه را به یکدیگر نزدیک کند. ناتوانیهای ارتباطی مؤثر در بین افراد جامعه می‌تواند به درگیریهای مسلحانه منجر شود.

کشورهای جهان به سیزده گروه زبانی تقسیم می‌شوند و تقریباً شصت هزار زبان تا اواخر قرن بیستم شناسایی شده است که فقط یکی از آنها بیش از صد میلیون نفر صحبت کننده دارد. بسیاری از گروههای زبانی کوچکتر از چند میلیون تا چند هزار نفر متکلم دارند.

گاهی اوقات انواع زبانها در یک منطقه نسبتاً کوچک به شدت با یکدیگر ترکیب می‌شوند، مثلاً در قزاقستان حدود پنجاه و یک زبان در یک منطقه‌ای به اندازه فلوریدا وجود دارد.

نیروهای روسی که تلاش زیادی در بدست گرفتن کنترل آن منطقه داشتند، به خوبی دریافته‌اند که ارتباط برقرار کردن با جمعیت آن منطقه، بسیار مشکل است.

از اینرو نیروهای نظامی که در کشورهای خارجی مستقر می‌شوند، به منظور برقراری ارتباط مناسب، در تمرینات آموزشی با نیروهای بومی شرکت می‌نمایند.

نیروهای مخصوص آمریکا در طی جنگ دوم خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ میلادی بیش از صد نقشه خاورمیانه‌ای را به زبان عربی برگرداندند تا همکاری نزدیکی بین نیروهای عربی زبان و انگلیسی زبان به وجود آید و در حمایت توپخانه‌ای و نبرد هوایی هماهنگی حاصل گردد تا آسیمی به نیروهای خود وارد نشود.

تسلط کامل بر زبانهای خارجی در بیشتر مکانها مفید واقع می‌شود. در حال حاضر در ۱۷ کشور جهان که در شمال شرقی آفریقا و جنوب غربی آسیا قرار دارند زبان انگلیسی صحبت می‌شود، به علاوه در کشورهای افغانستان و پاکستان که به زبانهای مختلف عربی، فارسی، اردو و پشتو صحبت می‌کنند، زبان انگلیسی رایج است.

در این راستا نیروهای پایگاه‌های آمریکا در اقیانوس آرام شامل شرق آسیا، شبه قاره هند، استرالیا و جزایر مجاور آن با هیجده زبان مختلف و لهجه‌های گوناگون صحبت می‌کنند. در انتخاب زبان خارجی باید اولویتها را در نظر گرفت که وجود آنها ضروری است، زیرا نمی‌توان در یک زمان به تمامی زبانهای دنیا مسلط شد.